

بررسی چالش‌ها و خلاءهای قانونی استفاده از سلاح گرم توسط مرزبانان

محسن غلامی رزینی^۱، مسعود سلطانی^۲، احسان غلامی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: برابر قوانین جاری، پلیس مجوز حمل و بکارگیری سلاح در مواقع ضروری را دارد، اما قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ براساس شرایط و مناطق جغرافیایی، نوع ماموریت و وظایف تخصصی پلیس‌ها تدوین نشده است و این امر در بسیاری مواقع موجب مسئولیت کیفری و مدنی ماموران پلیس شده است. این پژوهش ضمن بررسی شرایط و ضوابط استفاده از سلاح، موارد سکوت مقنن، ابهامات و چالش‌های استفاده مرزبانان از سلاح در شرایط مختلف تیراندازی از جمله مناطق عملیاتی درگیر را بررسی نموده است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی است. منابع پژوهش را قوانین موجود و اسناد معتبر در کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی تشکیل داده‌اند که با بررسی آن‌ها، موضوع مورد مطالعه تحلیل شده است.

یافته‌ها و نتایج: از آنجا که رویکرد مقنن در موضوع حمل و بکارگیری سلاح در ماموریت‌های انتظامی، در تمامی شرایط و مناطق جغرافیایی یکنواخت و ثابت است، مشخص نبودن نحوه بکارگیری سلاح توسط مامورین مرزبانی در مناطق و شرایط جوی دریایی و همچنین نبود مواد قانونی شفاف در رابطه با تیراندازی در مناطق ممنوعه مرزی، موجب ایجاد دوگانگی برای مامورین مرزبانی در استفاده از سلاح شده است؛ بنابراین ضرورت دارد به منظور شفاف‌سازی استفاده از سلاح در شرایط جوی دریایی و همچنین مناطق ممنوعه مرزی، موادی در این مورد به قانون بکارگیری سلاح اضافه شود.

واژه‌های کلیدی: قانون، سلاح، پلیس، مرزبان، سکوت قانون، مسئولیت کیفری

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق (نویسنده مسئول)؛

mohsen.gholami۶۳@gmail.com

۲. هیات علمی گروه مرزبانی دانشگاه علوم انتظامی امین؛

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

مقدمه

شکی نیست که امنیت از نیازهای حیاتی زندگی بشری بوده و رسیدن به این احساس مستلزم وجود امنیت پایدار در جامعه است. امنیت موردنظر به معنی عام، امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شغلی، تا سلامت جسمانی، روحی و حیثیتی افراد را شامل می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۶۷). هر چند از اهرم‌های ارتقای این امنیت، اقدامات قانونی ضابطان دادگستری در برخورد با عوامل خاطی جامعه است، لکن ناگفته پیداست که برقراری امنیت پایدار، بدون استفاده از ابزارهای لازم امکان‌پذیر نیست (بیات، ۱۳۹۴: ۳۸). قانونگذار ایران نیز به این مهم توجه داشته و در صدد بر آمده تا با تصویب قوانین مناسب، اقتدار ضابطان را در زمینه برقراری امنیت فراهم و در شرایطی به آن‌ها اجازه تیراندازی برای برقراری امنیت را بدهد. هر چند این سیاست مطلوب است و در جوامع مختلف در شرایط خاص اجازه بکارگیری سلاح به مأمورین انتظامی داده شده، اما مشکل از آنجا ناشی می‌شود که متأسفانه در عمل، در تصویب این قوانین، به شرایط و وضعیت‌های مختلف مناطق درگیر و حوزه عملیاتی ضابطان توجه کافی نشده است. در حال حاضر، قوانین ناظر بر نحوه بکارگیری سلاح توسط ضابطان قضایی در ایران عبارتند از قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹.

از جمله چالش‌ها و دغدغه‌های مهم پیش روی ضابطان دادگستری به خصوص مأمورین مرزبانی، که در سال‌های اخیر گریبان گیر تعداد زیادی از آن‌ها گردیده و برخی را روانه زندان کرده و برخی را به پرداخت دیه، غرامت و جریمه وادار نموده، استفاده از سلاح گرم در شرایطی است که در قانون بکارگیری سلاح، موارد آن به طور دقیق شفاف سازی نشده است. این موضوع ضمن اینکه به عنوان یک خلاء قانونی در انجام وظایف ضابطان و تعیین مسئولیت آنان محسوب می‌شود، بسیاری از مأمورین انتظامی را از انجام وظایف خود دلسرد و نا امید نموده است (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۵۹). به عبارتی، با توجه به اینکه قانون

بکارگیری سلاح برابر شرایط مختلف عملیات و وضعیت‌های متعدد درگیری ضابطان قضایی از جمله مرزبانان وضع نشده، وجود این چالش‌ها، ضمن اینکه موجب سردرگمی در انجام اقدامات قضایی ضابطان شده، اثرات نامطلوبی نیز بر جامعه و اذهان عمومی مردم داشته است؛ به عنوان مثال، در تیراندازی به سمت کشتی، شناور یا قایق حامل قاچاق (انسان، کالا یا مواد مخدر) که ناخدا و خدمه آن در داخل کشتی نشسته‌اند کمر به بالا قابل رویت است، رعایت شرایط تیراندازی کمر به پائین بسیار سخت خواهد بود. در این شرایط خاص و ویژه، اگر خاطی به ایست و اخطار ضابطان توجه نکند و در نتیجه تیراندازی، به قتل برسد و یا مجروح شود، مسئولیت بر عهده کیست. نکته دیگر اینکه با توجه به شرایط جوی دریا، انجام تیراندازی بسیار سخت تر از شرایط عادی و در خشکی است، چرا که با بالا و پائین آمدن قایق و موج بودن دریا، هدف گیری و تیراندازی صحیح عملاً امکان پذیر نیست. از طرفی مشکل چالشی تر این است که در ساختار برخی از یگان‌های ناجا مانند مرزبانی، استفاده از سلاح‌های نیمه سنگین در هنگام درگیری با مترددین مرز، پیش بینی شده که با توجه به مقررات قانون بکارگیری سلاح، امکان رعایت کمر به پائین در استفاده از این نوع سلاح‌ها (نیمه سنگین) وجود ندارد. در چنین وضعیتی با توجه به خلاء قانونی موجود در استفاده از سلاح، با استدلال‌های مختلف، بعضی محاکم، مامورین مرزبانی را که براساس ضوابط و مقررات قانونی تیراندازی نموده، صرفاً به دلیل موارد سکوت و کاستی‌های مقنن، از باب مباشرت مقصر می‌دانند که این تصمیمات برای مامورین مرزبانی که به منظور ایجاد امنیت مناطق مرزی، شبانه روز وظایف خود را انجام می‌دهند، دور از انصاف است. به همین دلیل شناخت و رفع این محدودیت‌ها و موارد سکوت قانونگذار در تیراندازی، ضمن اینکه تاثیر زیادی در انجام مطلوب وظایف خطیر ضابطان دادگستری خواهد داشت، افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری در ایجاد نظم و امنیت عمومی، احساس آرامش و امنیت آحاد جامعه و تسلط کافی مامورین انتظامی در اجرای وظایف محوله و همچنین کاهش جرایم و مسئولیت کیفری و مدنی ضابطان را در پی دارد. در این

راستا، پژوهش حاضر قصد دارد به چالش‌ها و محدودیت‌های دست و پاگیر و ابهاماتی که عدم رفع آن، موجب مسئولیت دور از انصاف ضابطان، بی تکلیفی آنان و فرار اخلا لگران از چنگال عدالت می‌شود، بپردازد و اهداف زیر را محقق می‌سازد:

- بررسی چالش‌ها، خلاءها، ابهامات و محدودیت‌های قانونی تیراندازی توسط مامورین مرزبانی و ضمانت اجراهای آن؛
- بررسی چالش بزرگ مسئولیت مامورین مرزبانی در موارد و شرایط غیرعادی تیراندازی (مثلاً موج بودن دریا و استفاده از سلاح نیمه سنگین)؛
- بررسی عدم شفافیت و نبود مواد قانونی مشخص در قانون در خصوص نحوه استفاده مامورین مرزبانی از سلاح گرم در شرایط جوی دریایی و همچنین مناطق ممنوعه مرزی؛
- بررسی تدوین مواد قانونی مشخص و شفاف در زمینه چگونگی تیراندازی در دریا و مناطق ممنوعه مرزی در قانون بکارگیری سلاح مصوب سال ۱۳۷۲.

پیشینه پژوهش: بررسی‌ها نشان داد که پژوهش‌های متعددی درباره بکارگیری سلاح توسط ماموران پلیس انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. افراسیابی (۱۳۹۴)، در مطالعه ای به سیاست‌های جنایی ایران و فرانسه در رابطه با نحوه بکارگیری سلاح گرم پرداخته و ضمن اشاره به چالش‌های حقوقی بکارگیری سلاح در ایران، راهکارهای لازم با توجه به سیاست جنایی فرانسه در قبال استفاده را از سلاح را برای مامورین پلیس ایران پیشنهاد داده است.

نجفی توانا و حسینی (۱۳۹۳)، در پژوهشی رویکردها و سیاست جنایی تقنینی مقنن ایران در خصوص بکارگیری سلاح توسط مامورین پلیس را بیان نموده و با کمک نظریه‌ها و مدل‌های سیاست جنایی، نسبت به احصاء موارد ابهام استفاده از سلاح اقدام نموده‌اند.

پانچ (۱۳۹۱)، در کتاب خود با عنوان: «تیراندازی در نظام پلیسی بریتانیا»، به شرایط بکارگیری سلاح در نظام پلیسی بریتانیا اشاره نموده و روش‌هایی را که می‌تواند منجر به

کاهش تیراندازی‌های غیر ضرور توسط ماموران پلیس شود، بیان نموده است. این کتاب همچنین به حمایت‌های قانونی از ماموران پلیس در هنگام استفاده از سلاح در موارد قانونی نیز پرداخته است.

مبانی نظری: مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه بر عهده دارد عبارتند از: مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد، پیشگیری از وقوع جرائم، کشف جرائم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان و اجرا و ابلاغ احکام قضائی.

به ضابطان قضایی اجازه داده شده است تا برابر مفاد قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ و ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ برای اجرای وظایف ذکر شده از سلاح استفاده نمایند. در ادامه به برخی مفاد این قوانین اشاره می‌شود.

در قانون بکارگیری سلاح، اصلاحات وجود دارد که بیان آن‌ها ضروری است. این اصلاحات در ادامه بیان شده‌اند.

بکارگیری سلاح: بکارگیری فرآیندی است که از زمان کشیدن سلاح (تجرید سلاح) تا شلیک هوایی و شلیک به سمت هدف را شامل می‌شود و سلاح وسیله‌ای است که به منظور تعرض یا دفاع بکار می‌رود و عبارت است از سلاح سرد و گرم. مراد از سلاح در قانون مورد بحث، مستنبط از تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۳، بند الف و ب ماده ۴، ماده ۷ و نیز با توجه به به کار بردن عبارت «تیراندازی» در اکثر مواد همین قانون، سلاح گرم است، نه سلاح سرد. سلاح گرم نیز به انواع سنگین، نیمه سنگین و سبک تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد که از میان سه نوع سلاح ذکر شده، بیشتر سلاح‌های سبک و نیمه سنگین مشمول این قانون باشد.

موارد ضروری: ضروری در لغت به معنای بدیهی و واجب است، اما در این قانون، شامل

موارد زیر است:

- استفاده از سلاح برای مهار مرتکب جرم به موجب قانون مجاز شمرده باشد؛
- استفاده از سلاح به عنوان تنها راه و آخرین چاره برای مهار مرتکب باشد؛
- شدت و آثار تخریبی جرم ارتكابی با پاسخ مسلحانه پلیس، تناسب داشته باشد؛
- در یک تراز عقلی، پلیس به این نتیجه برسد که هیچ راهی جزء بکارگیری سلاح ندارد.

موارد بکارگیری سلاح نسبت به اشخاص پیاده: به موجب ماده ۳ این قانون ضابطان

قضایی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح نسبت به اشخاص پیاده را دارند:

- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید؛
- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می آورند، ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد؛
- در صورتی که مأمورین مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است؛
- برای دستگیری سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد؛
- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد؛
- برای حفظ اماکن انتظامی (مقر نیروهای انتظامی از قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی)؛
- برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می باشد؛

- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده، به ویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال؛
 - برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأمورین مرزبانی توجه نمی‌نمایند؛
 - برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی.
- تبصره ۱: در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است؛
- تبصره ۲: نیروهای مسلح در مواردی که در چهارچوب بندهای مذکور مأموریت داشته باشند، مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند؛
- تبصره ۳: مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون، در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً، چاره‌ای جزء بکارگیری سلاح نداشته باشند و ثانیاً، در صورت امکان مراتب: ۱. تیر هوایی، ۲. تیراندازی کمر به پائین و ۳. تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.
- موارد بکارگیری سلاح نسبت به وسایل نقلیه:** به موجب ماده ۶ این قانون، تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آن‌ها توسط مأمورین موضوع این قانون در موارد زیر مجاز است:
- در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق، مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد؛
 - در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأمورین و یا مردم استفاده شده باشد.
- تبصره ۱: مأمورین مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی، وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند؛

تبصره ۲: مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسائل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱، با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.

براساس این مواد چند نکته قابل توجه است:

- طبق ماده ۶ هدف، توقف وسیله نقلیه (خودرو، قایق و...) است و تا حد امکان نباید به سرنشینان شلیک شود؛
- با توجه به اینکه کشتی، شناور و قایق نیز به نوعی وسیله نقلیه محسوب می‌شود، بایستی در تیراندازی به سوی این وسایل، مفاد ماده ۶ را رعایت کرد؛
- شرایط تیراندازی به منظور توقف وسایل نقلیه عبارتند از: قراین و دلایل معتبر، اطلاعات موثق، وسیله نقلیه مسروقه باشد، وسیله نقلیه حامل افراد متواری باشد، وسیله نقلیه حامل اموال مسروقه باشد، وسیله نقلیه حامل قاچاق کالا، مواد مخدر و یا سلاح و مهمات باشد.

در قانون همچنین شرایط اختصاصی ضابطان قضایی (پلیس) برای بکارگیری سلاح موارد زیر عنوان شده‌اند: سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله، فراگرفتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت محوله، تسلط کامل در بکارگیری سلاح واگذار شده و آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به بکارگیری سلاح.

بررسی شرایط و ضوابط تیراندازی پلیس در قانون: به منظور حفظ جان مردم (متهمین) و همچنین صیانت از ضابطان قضایی که ممکن است تحت تاثیر برداشت‌های غیرحقوقی در مراجع ذیصلاح قضایی به عنوان متهم مورد پیگرد قرار گیرند، موارد ذیل در این قانون احصاء شده است:

- مقنن عنوان قانون بکارگیری سلاح را بدین شرح انتخاب نموده است: «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری»؛

- در ماده ۱ آمده: «مامورین مسلح مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می باشند و موظفند به هنگام به کارگیری سلاح در موارد ضروری، کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند»؛
- در صدر ماده ۳ آمده: «مامورین انتظامی در مواردی خاص و ویژه حق بکارگیری سلاح دارند»؛
- تبصره ۳ از ماده ۳ این قانون مقرر داشته: «مامورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً، چاره ای جزء به کارگیری سلاح نداشته باشند و ثانیاً، در صورت امکان مراتب تیر اندازی را رعایت نمایند»؛
- در ماده ۴ این قانون آمده: «مامورین انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیر قانونی و فرو نشاندن شورش‌ها و بلوا که بدون بکارگیری سلاح، مهار آن‌ها امکانپذیر نباشد، حق بکارگیری سلاح را به دستور فرمانده و با توجه شرایط پیش بینی شده دارند»؛
- در ماده ۵ آمده: «مامورین نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی‌های غیر قانونی مسلحانه و ... مجازند از سلاح استفاده نمایند»؛
- در ماده ۶ آمده: «تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف نمودن آن‌ها توسط مامورین موضوع این قانون در مواردی مجاز است»؛
- در صورت بکارگیری سلاح توسط مامورین مسلح، رعایت تکالیف و مقررات پیش بینی شده در قانون بکارگیری سلاح به شرح ذیل، الزامی است:
- احراز عمل مجرمانه یا وضعیت پیش بینی شده در قانون بکارگیری سلاح؛
- عمل مجرمانه یا وضعیت موجود از مصادیق احصاء شده قانون بکارگیری سلاح باشد؛
- مامور پلیس در حال مأموریت باشد؛

- مامور چاره ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشد؛
 - با توجه به وضعیت موجود و بررسی منطقی آن توسط مامور، ضرورت به کارگیری سلاح احراز شود [وجود مراتب یادشده بالا، مقدمه لازم حصول حق و اختیار به کارگیری سلاح توسط مامورین است که اصطلاحاً قانونگذار به کارگیری سلاح را تجویز نموده است، نه تکلیف]؛
 - تکلیف دادن اخطار قبلی در صورت اقتضای شرایط (رعایت این تکلیف بستگی به شرایط موجود دارد که مامور باید آن را تشخیص و در صورت مجلس قید نماید)؛
 - تکلیف رعایت مراتب تیراندازی در صورت امکان (رعایت این تکلیف بستگی به شرایط موجود دارد که مامور باید آن را تشخیص و در صورت مجلس قید نماید).
- قابل ذکر است که فلسفه ذاتی به کارگیری و حمل سلاح توسط مامورین برای استقرار نظم و امنیت، جلوگیری از فرار، توقف و دستگیری متهم یا مجرمین است، نه سلب حیات متهمین و مجرمین (نجفی توانا و حسینی، ۱۳۹۳: ۹۲).

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی است. منابع پژوهش را قوانین موجود و اسناد معتبر در کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی تشکیل داده‌اند که با بررسی آن‌ها، موضوع مورد مطالعه تحلیل شده است.

یافته‌ها

بررسی موارد سکوت و ابهامات استفاده از سلاح توسط ماموران پلیس در قانون بکارگیری سلاح: طبق قانون مامورین انتظامی مجاز به حمل سلاح نباید بدون دلیل از سلاح استفاده کنند و تنها در شرایط خاص که قانون برای آن‌ها تعیین کرده از سلاح استفاده نمایند، در غیر این صورت طبق قانون مجازات خواهند شد. لذا با تأکید بر اینکه قانونگذار در قانون بکارگیری سلاح به هیچ ضابطی اجازه استفاده بی‌مورد از سلاح نداده است، در این قانون نحوه بکارگیری سلاح به درستی و شفاف بیان نگردیده است. حتی در این قانون طریقه تیراندازی در شرایط و نقاط مختلف عملیات و درگیری به روشنی تعیین

نشده است (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶). با توجه به اینکه در نقاط مختلف کشور از جمله مناطق ممنوعه مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی (دسترسی آسان به خاک کشور مقابل، حمایت اشرا از خاطیان و...) امکان رعایت شرایط قانون بکارگیری سلاح وجود ندارد، در این شرایط تکلیف ضابطان مشخص نیست. قانون در این زمینه مقرر می‌دارد که به هر اقدامی نمی‌توان دفاع مشروع نسبت داد، بلکه نحوه دفاع باید بر اساس قانون باشد. لذا ضابطان نباید به بهانه نجات یک انسان یا احتمال فرار خاطی به کشور مقابل، جان یک انسان را از او بگیرند. همچنین براساس قانون، ضابطان باید به نقطه ای از بدن خاطی شلیک کند که مانع از تهاجم آن فرد شود. لذا در این زمینه قانون مقرر می‌دارد که شلیک مستقیم به سر، سینه و یا به پشت، سوءاستفاده از سلاح و موقعیت است. ضابط قضایی باید در ابتدا به شخص مهاجم، اخطار دهد و در صورت نیاز، شلیک هوایی را در دستور کار خود قرار دهد و اگر مجبور به شلیک مستقیم شد، ابتدا کمر به پائین مهاجم را مورد هدف قرار دهد. این در حالی است که در مناطق ممنوعه مرزی به دلیل اینکه قصد بیشتر خاطیان ضربه زدن به مقرهای انتظامی و خود ضابطان است، در صورت رعایت شرایط تیراندازی، امکان کشته شدن مامورین انتظامی بسیار بالا است. از طرفی شرایط جغرافیایی این مناطق (نزدیکی به مرز کشور مقابل، باز بودن میدان نبرد و امکان فرار خاطی، مشخص نبودن دوست و دشمن و حریف و...)، امکان رعایت شرایط تیراندازی را واقعاً سخت کرده است، ولی مقنن در صورت عدم رعایت مقررات این قانون، مامورین مرزبانی را مجرم می‌شناسد. با کمی بررسی ملاحظه می‌شود که مقنن باید شرایط جوی منطقه و شرایط آب و هوایی را در زمان وقوع عملیات و درگیری در نظر بگیرد. در صورتی که مامورین مرزبانی در حین عملیات، تمام شرایط به کارگیری سلاح را استفاده کرده باشند، لکن شرایط جغرافیایی و منطقه درگیری، اجازه تیراندازی صحیح را به آنان نداده باشد، نایستی مسئول شناخته شوند. البته در صورتی که در منطقه مرزی آرام و در شرایط جغرافیایی مساعد، مقررات قانون بکارگیری سلاح را رعایت نکرده باشند، بایستی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند.

سیاست بین‌المللی و رویکرد نظام حقوقی ایران در زمینه استفاده از سلاح گرم: در نظام حقوقی اکثر کشورها با تصویب قانون بکارگیری سلاح و پیش‌بینی اصول حقوقی آن، سعی می‌شود به تیراندازی ضابطان قضایی (پلیس) جنبه قانونی دهند.

رویکرد و سیاست‌های قانونگذار ایران در قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳: در نظام حقوقی ایران هر چند با تصویب قانون بکارگیری سلاح و پیش‌بینی اصول حقوقی، سعی شده به تیراندازی پلیس جنبه قانونی و توجیهی بخشیده شود، اما این قوانین در عمل به دلیل وجود چالش‌ها و خلاءهای قانونی، سالیانه موجب مسئولیت کیفری و مدنی برای تعدادی از مأمورین ناجا می‌شود. در واقع، بسیاری از مواد موجود در قانون به کارگیری سلاح، تناسبی با جرایم ارتكابی و عمل تیراندازی ندارد؛ در برخی موارد ممکن است مأمور با توجه به اوضاع و احوال و شرایط منطقه درگیری و عملیاتی، از سلاح سازمانی استفاده نماید، لکن این اقدام موجب مسئولیت کیفری و مدنی برای او شود. برای مثال، چنانچه مأمور در دریا به قایقی مظنون شود و آن قایق به اخطار توجه نکند و فرار نماید، مأمور تعقیب‌کننده بر اساس قانون بکارگیری سلاح می‌تواند با رعایت شرایط قانونی به سمت وی تیراندازی نماید. اما مشکل این است که شرایط بکارگیری سلاح در قانون یاد شده برای داخل شهر و مربوط به نیروهای کلاتری است و متناسب با شرایط و وضعیت عملیات سایر پلیس‌ها از جمله مأمورین دریابانی تدوین نشده است، چرا که رعایت تیراندازی کمر به پایین برای مهار قایق با توجه به موج دریا، بسیار سخت است و امواج دریا این اجازه را به مأمور نمی‌دهد که تیراندازی صحیح انجام دهد. از طرفی عدم تیراندازی مأمور و فرار متهم، برای مأمور مسئولیت انتظامی و قضایی در پی دارد. در نظام حقوقی برخی کشورها (مانند انگلستان، ولز و اسکاتلند) مقررات تیراندازی نسبت به نظام حقوقی ایران از تناسب بیشتری برخوردار است. در این کشورها با توجه به ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «پلیس تنها وقتی می‌تواند به سمت متهم یا بزهکار تیراندازی نماید که زندگی مأمورین یا شهروندان در معرض خطر جدی باشد و در غیر این صورت اقدام به

تیراندازی، توجیه منطقی و قانونی نخواهد داشت»، بنابراین، چنانچه شخصی به صورت غیرقانونی از مرز عبور کند یا وسیله نقلیه مظنون (مانند قایق)، علیرغم هشدار پلیس توقف نکند، در صورتی که خطر جانی برای کسی وجود نداشته باشد، پلیس نمی‌تواند تیراندازی نماید. چیزی که در قانون بکارگیری سلاح ایران شفاف سازی نگردیده است. لذا این برخورد دوگانه با وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات پلیس می‌تواند تضعیف اقتدار این نهاد و کاهش اعتماد مردم جامعه را در پی داشته باشد. این در حالی است که اغلب ماموران پلیس در جریان اقدامات روزانه خود سلاح گرم حمل می‌کنند و در قانون بکارگیری سلاح در ۱۲ مورد با رعایت شرط ضرورت می‌توانند از اسلحه استفاده کنند (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۲۰۰-۱۹۹).

تمامی وظایفی که در ماده ۱ قانون بکارگیری سلاح بیان شده‌اند، در شمار وظایف ضابطان دادگستری (پلیس) قرار دارند. هر چند این مواد به صراحت، تجهیز پلیس به سلاح گرم را مطرح نکرده، لیکن برابر ماده ۵ قانون بکارگیری سلاح مصوب سال ۱۳۶۹ مأمورین انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمائی‌های غیرقانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده نمایند. مأمورین مذکور موظف اند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضائی اقدام نمایند. همچنین مطابق ماده ۶ همین قانون تیراندازی به سوی وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آن‌ها توسط مأمورین موضوع این قانون در مواردی مجاز است.

فقدان مقررات الزام‌آور برای الزام سازمان پلیس به تجهیز ماموران به سایر ابزارهای دفاعی و تجهیزات پلیسی موضوعی است که در قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری مغفول مانده است. در صورتی که ضروری است ماموران پلیس در جریان ماموریت‌های روزمره خود تجهیزات دیگری داشته باشند تا بتوانند از زور متناسب کمتر کشنده یا غیرکشنده در موارد لزوم استفاده کنند (مجموعه نشست‌های قضایی معاونت قضایی و حقوقی سازمان

قضایی، ۱۳۸۷: ۲۸). فقدان این تجهیزات موجب می‌شود که آن‌ها در هر ماموریتی به سلاح گرم متوسل شوند. این موضوع با برخورد افتراقی متناسب با نوع جرم و رفتار مظنونان و متهمان، مغایر است. چنانچه سیاست تقنینی مربوط به قانون بکارگیری سلاح، جامع، مانع و کارآمد باشد، اهداف و آرمان‌های نظام عدالت کیفری محقق خواهد شد. به نظر می‌رسد تجهیز پلیس به تجهیزات غیرکشنده و کمتر کشنده ضروری است. بررسی دقیق علمی و کاربردی قانون مذکور، حکایت از آن دارد که این قانون با تعجیل و شتابزدگی و بدون استفاده از نظرات کارشناسان تصویب شده و دارای ابهامات فراوانی است، به طوری که قانون را نا کارآمد کرده و تا به حال نتوانسته به طور کامل اهداف عدالت کیفری را فراهم نماید. در اکثر کشورهای دنیا حدود و اختیارات پلیس با توجه به اصل رعایت حقوق شهروندی تبیین می‌شود و استقرار نظم در جامعه با رعایت قانون و احترام متقابل افراد به حقوق یکدیگر حاصل می‌شود. البته در برخی مواقع برای به وجود آمدن این وضعیت نیاز است که نیروهای انتظامی با قانون شکنان و قانون ستیزان برخورد قانونی نمایند و در صورت نیاز در مقابل آنان دست به سلاح شوند (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۹). همچنین استقرار امنیت در جامعه با دفاع از مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز دشمنان و مجرمان بدون در اختیار داشتن و به کار بردن سلاح‌های مدرن و پیشرفته میسر نیست. به خصوص در مقابله با قاچاقچیان بین المللی و جرایم سازمان یافته و سارقان مسلح، مامورین مرزبانی چاره ای جزء استفاده از سلاح ندارد. بنابراین تجویز حمل و بکارگیری سلاح توسط مأموران برای تأمین مصالح مذکور و همچنین ساماندهی و تعیین حدود و ثغور بهره گیری از این اختیارات، از باب اضطرار، مستلزم وضع قوانین و مقرراتی کارآمد، دقیق، پویا، صریح، روشن و هدفمند، قابل توجه است و بررسی آسیب شناختی و حقوقی رفتار مأموران مسلح در صحنه‌های منتهی به تیراندازی که در نهایت موجب جرح یا قتل به حق یا ناحق بعضی از شهروندان می‌شود، ضرورتی گریزناپذیر است؛ زیرا در این صحنه‌ها دو ارزش اساسی و مصلحت بزرگ همواره در برابر یکدیگر قرار می

گیرند (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷)؛ از یک سو، مأمورانی با اخلاص تمام، جان بر کف نهاده، برای تأمین امنیت همه جانبه مرزهای کشورمان به مصاف اشراق، قاچاقچیان و اخلاص گران در امنیت می‌شتابند و گاهی با تأثیرپذیری از شرایط منطقه درگیری و مقتضیات صحنه رویارویی با خاطیان، امکان رعایت شرایط و مقررات بکارگیری سلاح وجود ندارد و به دنبال آن مأموران تیرانداز در معرض اتهام کیفری سنگین قرار می‌گیرند، از سوی دیگر، شهروندانی را می‌بینیم که به سبب ناآگاهی از قوانین و مقررات، گاهی به دستورهای مأموران توجه نکرده و قربانی تیراندازی درست یا نادرست آنان می‌شوند. همین عنایت بیشتر به یکی از دو ارزش و مصلحت موجب شده است که ما گاهی در نوع داوری نهایی خود درباره قانونی بودن یا نبودن تیراندازی و به تبع آن مسئول بودن یا نبودن مأمور از نظر کیفری یا مدنی از مسیر بی طرفی خارج شویم. بنابراین شناخت راه راست از بی راهه در جاده تأمین امنیت و احقاق حقوق شهروندان، مهمترین ضرورت در ارتباط با پرونده‌هایی از این قبیل است، تا از یک سو مأموران مسلح در کنترل رفتار سازمانی خویش و رعایت قوانین و مقررات ناظر بر به کارگیری سلاح، در عین تأمین امنیت، از افتادن در این ورطه پرهیز کنند و از سوی دیگر از پیش آمد حوادث ناگوار منتهی به سلب سلامت یا زندگی شهروندان بیگناه پیشگیری شود. در قانون مذکور با وجود سختگیری‌های که قانونگذار در مورد شرایط مأمور و نوع تیراندازی بکار برده، این سؤال باقی است که اختیاری که به مأمور برای تیراندازی به افراد داده شده، از چه جهتی است؟ وقتی اثبات اتهام به افراد در یک فرایند پیچیده قضایی به سختی امکان پذیر است، چگونه مأمور تشخیص می‌دهد که فلانی اخلاص گران است؟ البته موارد معدود را نمی‌توان نادیده گرفت که اشخاصی به وضوح جنایتکارانی هستند که برای همه قابل فهم اند، اما موارد دیگر که به ظن مأمور به آنها تیراندازی می‌شود چطور؟ برخی جرایمی که مقنن در قانون مورد نظر عنوان کرده، مانند سرقت نیز مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا علاوه بر مشکل اول در تعیین مصداق یک سارق، آن هم

به مأموری که از مفاهیم مغلق و پیچیده حقوقی بی اطلاع است، مشکل دیگری نیز بروز می‌کند و مثلاً یک جرم سرقت تعزیری ساده با مجازات سه ماه یک روز، و در مقابل، اختیار تیراندازی به مأمور و در نتیجه برای مثال، ناقص شدن عضوی از سارق، آیا با یک سیاست کیفری واقع‌گرا مطابقت دارد؟ به نظر می‌رسد سیاستی که مقنن در تصویب قانون بکارگیری سلاح داشته، یک سیاست جنایی منطبق بر واقع‌گرایی نیست و ایراداتی که بر این قانون آشکار است، را نمی‌توان نادیده گرفت. در اینجا تعارض بین حق و مصلحت مطرح است، نه تعارض بین دو حق (بیات، ۱۳۸۷: ۱۶). مدافعان از جنبه یک سیاست مصلحت‌گرای به موضوع نگاه می‌کنند و نگاهشان این است که مصلحت جامعه ایجاب می‌کند در مقابل تعارض دو حق شهروندی و مصلحت جامعه، مصلحتاً برای حفظ همه شهروندان، حق شهروند را که کفه ترازو به نفع جامعه است، نادیده بگیریم. اما این گفته مشکلی را برطرف نمی‌کند. یک نگاه کلی به قانون ما را مجاب کند که قانونگذار تمرکزش بر نظم جامعه و حفظ امنیت ملی و حفظ اقتدار خود در مقابله با مجرمان است. این موضوع را علاوه بر نگاه به قانون، در رویه قضایی نیز به وضوح می‌توان دید؛ مثلاً در نشست‌های قضایی معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این پرسش که منظور از قراین و دلایل معتبر و اطلاعات موثق در قانون بکارگیری سلاح چیست، گفته شده «منظور مقنن از دلایل... در ماده ۶ قانون فوق‌الذکر این است که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط برای مأمور اطمینان حاصل شود که وسیله نقلیه حامل افراد متواری، اموال مسروقه... است، به طوری که هر فرد عادی نیز به این نتیجه برسد و منظور مفهوم خاص و تعریف دقیق حقوقی و موارد احصاء شده نیست...» (مجموعه نشست‌های قضایی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود به علت واقع‌گرا نبودن سیاست جنایی در این قانون، قانونگذار در ماده ۲ گفته که مأمور باید مهارت داشته باشد، آشنایی به این قانون داشته باشد، تسلط داشته باشد و... سپس در رویه قضایی گفته

- می‌شود که یک فرد عادی نیز در همان شرایط به این نتیجه برسد! مشخص نیست که در این بین تسلط، مهارت، آشنایی به قانون مأمور چه معنایی پیدا می‌کند؟ ایرادات ذیل حکایت از عدم واقع‌گرایی و فقدان آینده‌نگری قانون در بکارگیری سلاح است:
- در این قانون نحوه تیراندازی به سوی شناور دریایی و چگونگی استفاده از سلاح نیمه سنگین مشخص نشده است؛
 - این قانون شمول استفاده از سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین مثل توپ و آرپی‌جی را شفاف نکرده است؛
 - مشخص نیست که آیا مأموران مسلح در موارد مجاز به تیراندازی و با توجه به عبارت حق به کارگیری سلاح در مواد ۳ و ۴ و عبارت «... مجازند از سلاح استفاده نمایند...» مندرج در ماده ۵ و عبارت «... مجاز است...» در ماده ۶، تکلیف به تیراندازی دارند و یا اینکه مخیر به استفاده از سلاح هستند؟
 - آیا حکم بند ۴ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح فقط در جرایم پنجگانه (ترور، تخریب، قاطع‌الطریق سرقت و انفجار) است یا اینکه شامل سایر جرایم از قبیل آدم‌ربایی مسلحانه، جاسوسی، قاچاق مواد مخدر و... نیز می‌شود؟
 - به موجب بند ۹ ماده ۳ برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج از کشور را داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند، مأمورین حق تیراندازی دارند. در علم حقوق قصد انجام فعل به معنی تمایل داشتن به انجام کاری است و این قصد ممکن است مدت‌ها قبل در فکر و اندیشه مرتکب وجود داشته باشد. برای خروج غیرقانونی از کشور ممکن است شخصی در تهران چنین قصدی را داشته باشد، آیا مأمورین مجاز هستند برای جلوگیری از خروج غیرقانونی وی در آینده که ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد به وی تیراندازی نمایند؟

- برابر تبصره ۲ ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح مأموران مذکور در صورتی می توانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره ۱ این ماده (تعبیه وسایل هشدار دهنده اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان به اندازه لازم در ایستگاه‌های ایست و بازرسی)، با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد. این ابهام وجود دارد که آیا مأموران برای مجاز بودن تیراندازی به سمت وسایل نقلیه (خودرو، شنارو، قایق و...) قبل از تیراندازی حتماً باید ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد نمایند و در غیر این صورت حق تیراندازی ندارند (نجفی توانا و همکاران، ۱۴۰:۱۳۹۳-۱۳۸).

رویکردها و سیاست‌های موجود در اسناد بین‌المللی در حوزه استفاده از سلاح گرم: در نظام بین‌المللی حقوق بشر تلاش‌های متعددی در جهت ایجاد محدودیت و ساماندهی رفتارها، عملکردها، استفاده از ابزارها و تجهیزات محدودکننده نظیر سلاح گرم توسط پلیس صورت پذیرفته است. برای نمونه، در اسناد سازمان ملل از جمله اصول استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط پلیس، مصوب ۱۹۹۰، بر حفظ جان شهروندان تأکید شده و پلیس باید حتی الامکان از به کارگیری سلاح خود و تیراندازی خودداری نماید، مگر اینکه برای حفظ جان ضروری باشد (پانچ، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۹). به عبارت دیگر، در اسناد سازمان ملل، مأمورین فقط برای «حفظ جان» می‌توانند از سلاح خود استفاده نمایند و شامل مواردی مانند فرار متهم و عبور از مرز به منظور امرار معاش نمی‌شود. در این رابطه ماده ۹ اصول استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط پلیس مقرر می‌دارد «مأموران انتظامی به جزء هنگام دفاع از خود یا دیگران در قبال تهدید قریب الوقوع (حتمی) مرگ، یا صدمه جدی، نباید سلاح‌های گرم را علیه اشخاص، به کار گیرند. استفاده از این سلاح‌ها باید تنها در زمانی صورت پذیرد که به طور قطعی برای حفظ جان ضرورت دارد. چنانچه مأموران، مغایر با این شرایط عمل نمایند و بدون دلیل خود را در معرض خطر قرار دهند و خطر

مرگ یا صدمه شدیدی متوجه سایر اشخاص نمایند، این اقدام به طور آشکارا نامناسب و بیهوده محسوب خواهد شد» (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

بررسی حقوقی قضایی شلیک گلوله توسط ضابطان دادگستری (پلیس): ماموران پلیس به عنوان ضابطان قضایی برای برقراری نظم و امنیت در جامعه ناچار از داشتن شرایط و ابزارهایی از جمله حمل سلاح می‌باشند و از سلاحی که مقنن در اختیارشان قرار داده، باید تحت شرایطی خاص استفاده نمایند. بدین منظور قانونگذار با تصویب قانون به کارگیری سلاح به دنبال این بوده که ضمن حفظ اقتدار پلیس، در شرایطی نیز برای برقراری امنیت اجازه شلیک و تیراندازی داده باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). البته مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان، مال و آبروی اشخاص از تعرض مصون است، مگر به اذن قانون. به عبارت دیگر، ماموران مسلح در شرایط و موارد خاص با رعایت حقوق شهروندان و متهمان می‌توانند از سلاحی که قانونگذار در اختیارشان قرار داده، استفاده کنند. بدان معنا که مقنن با ایجاد شرایط و محدودیت‌هایی در استفاده از سلاح توسط ماموران، حریم حقوق شهروندی را محترم شمرده، تا ضابطان به دور از اعمال رفتارهای سلیقه‌ای و فقط در محدوده قانون، با رعایت حفظ حقوق شهروندی، بتوانند از ابزارها و امکاناتی که در اختیارشان قرار گرفته، استفاده نمایند. هر چند بر اساس قوانین موجود، استفاده از سلاح از سوی ضابطان قضایی در زمان روبه رو شدن با اخلالگران، چنانچه براساس حکم قانون در راستای حفظ امنیت و حقوق شهروندان و براساس اصول مدون باشد، ضامن سلامت و آرامش جامعه خواهد بود (افراسیابی، ۱۳۹۴: ۶۴)، اما زمانی که تیراندازی در شرایط جغرافیایی و مناطق ویژه عملیاتی مانند مناطق ممنوعه مرزی صورت می‌گیرد، بدون شک رعایت تمامی مقررات قانون بکارگیری سلاح تحت تاثیر شرایط عملیات و منطقه ممنوعه وجود ندارد. سؤال این است که آیا داشتن مجوز حمل و نگهداری سلاح به معنای به کارگیری آن در هر زمان و مکانی خواهد بود؟ در پاسخ باید گفت که سلاح در دست ماموران انتظامی یک ابزار به عنوان ضمانت اجرای قوانین و حق

استفاده از آن حربه‌ای برای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط مستعدان است. اما زمانی که قانون بکارگیری سلاح دارای موارد سکوت و خلاء باشد و بر اساس وضعیت عملیات پلیس‌های تخصصی تدوین نشده باشد، کاهش اقتدار و منزلت اجتماعی پلیس، کاهش انگیزه ماموران، استرس شغلی و افزایش جرایم شغلی مامورین را در حوزه استفاده از سلاح در پی خواهد داشت. از طرفی رعایت ضوابط و مقررات دست و پا گیر تیراندازی در مناطق ویژه عملیاتی مانند مناطق ممنوعه مرزی، در بسیاری از مواقع منجر به شهادت مامور خواهد شد که این وضعیت برای جامعه خسارت به بار می‌آورد. چرا که این مامور یک شهروند ایرانی است که همانند دیگر شهروندان دارای حقوقی است، شهادت وی نیز از دست دادن سرمایه انسانی و ملی است و موجب کاهش اقتدار پلیس است. با توجه به این چالش‌ها و خلاءهای موجود در قانون بکارگیری سلاح، کمیسیون محترم حقوقی قضایی مجلس، ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۵ کلیات لایحه اصلاح قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح را تصویب و مقرر کرد جزئیات لایحه برای رسیدگی دقیق‌تر به کارگروه مربوط ارجاع شود. آنگونه که در مقدمه لایحه اصلاحی آمده، به دلیل موارد سکوت و برخی از ابهامات، ضرورت اصلاح آن احراز شده است. مواردی که این اصلاح را ایجاد کرده شامل عملیات مربوط به گروگان‌گیری، قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و مهمات، اقدام به ترور و تخریب یا انفجار و اقدامات انتحاری، خرابکاری، متوقف ساختن وسایل نقلیه متواری (خودرو، شناور، قایق و ...) در مناطق ممنوعه مرزی است. از نظر شکل کار، اداره کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که در لایحه تقدیمی، آیین نگارش قانونی و ویرایش ادبی رعایت نشده است. چون این لایحه دارای بیشتر از یک موضوع است، پیشنهاد آن به عنوان ماده واحده قابل توصیه نیست و چنین اقدامی مواجهه با ایراد است. در مورد ماهیت و محتوای اصلاحات این لایحه اولاً، با اصلاح ماده یک، تحت این عنوان «ماموران نیروهای مسلح مجاز و سایر اشخاصی که به موجب قانون مجاز به حمل سلاح هستند، در انجام ماموریت‌های محوله موظف‌اند برای به کارگیری سلاح ضوابط این

قانون را رعایت کنند». در جای جای قانون عناوین ماموران مختلف به همین ماده ۱ به شکل «ماموران موضوع ماده ۱ ارجاع داده شده است». اما در تبصره ۲ ماده ۱ اشاره شده است، افرادی که از سوی مراجع قانونی برای حفاظت از خود مسلح می‌شوند، باید ماده ۱۵۶ ق.م.ا و تبصره‌های آن را رعایت کنند. اما در موارد و مصادیق اضافه شده به قانون که به متن سابق الحاق شده و کاربرد سلاح را ممکن می‌کند می‌توان به شرح ذیل اشاره کرد: شورش‌های داخلی زندان‌ها، سارقان، راهزنان، گروگان‌گیران، آدم‌ربایان، زورگویان یا قدرت‌نمایان با سلاح سرد و گرم، قاچاق‌چیان مواد مخدر یا سلاح و مهمات، قاتلان، کسانی که اقدام به ترور و تخریب و انفجار کرده‌اند و در حال فرار باشند یا اقدام به مقاومت و مقابله کنند. برای حفظ تاسیسات تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی شامل محل استقرار نیروهای مسلح و محل نگهداری سلاح و مهمات و اسناد طبقه‌بندی شده نظامی انتظامی و امنیتی و.... در مورد متوقف کردن وسایل نقلیه نیز، وسایل نقلیه دریایی به موارد مشمول افزوده شده و در حالتی که راننده وسیله نقلیه یا ناخدا و سکاندار شناور به اخطار ایست ماموران ایستگاه‌های بازرسی یا گشت دریایی توجه نکنند، کاربرد سلاح مجاز خواهد بود. هرچند تعبیه وسایل هشداردهنده و تذکر دادن به صدای بلند برای متوقف کردن وسایل نقلیه در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۶ قانون پیش‌بینی شده است، اما در تبصره ۳ که در متن جدید الحاق شده، هرگاه عملیات انتحاری یا تهاجم علیه شخصیت‌ها یا اماکن حیاتی و حساس اماکن نظامی و امنیتی و جمعیت‌ها و ستون‌های نقل و انتقال تجهیزات و نفرات نظامی و کاروان‌های حمل مواد ناریه عمرانی مورد هجوم وسیله نقلیه زمینی، شناور دریایی یا هر نوع وسیله پرنده واقع شود، ماموران می‌توانند بدون رعایت تبصره‌ها و مفاد ماده ۶ برای متوقف کردن این وسایل از سلاح استفاده کنند. بالاخره در تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۳، سازمان مربوط به این ماموران (ناجا) مجاز است نسبت به سپردن ضمانت یا وثیقه برای قراری که علیه مامور تیرانداز صادر شده، تا پایان مراحل رسیدگی و صدور حکم اقدام کند. البته در ماده ۱۴ قانون موجود و ماده ۱۵ آن، نحوه

جبران خسارت وارده بر ماموران مسلح از طریق کمک مالی پیش‌بینی شده است که اجازه می‌دهد، اگر در حالات خاصی (مثلاً، تیراندازی در دریا) مامور مکلف به پرداخت دیه و خسارت شد (آنگونه که در ماده ۱۳ آمده) خسارات را جبران کند. آنچه مسلم است چه قانون موجود و چه اصلاحیه آن از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است و ارجاع آن به کارگروه ویژه، اقدامی کاملاً موجه است. زیرا از یک سو ماموران مسلح باید در صورت وجود شرایط از کاربرد سلاح ابایی نداشته باشند و از دیگر سو، در کاربرد سلاح نباید به نحوی اقدام شود که این مجوز، احیاناً مورد سوءاستفاده قرار گیرد. ضمناً همانند همه موارد قانون‌گذاری‌های کیفری، باید تمامی الفاظ و عبارات مندرج در این قانون، دارای مفاهیم کاملاً روشن و تعریف شده، باشند و کلیه موارد سکوت و ابهامات قانون سابق به صورت شفاف مرتفع شود. بایستی وضعیت‌های موردی و تیراندازی در شرایط خاص جغرافیایی (مانند مناطق ممنوعه مرزی) نیز به صورت کامل شفاف سازی شود. برخی از این وضعیت‌ها عبارتند از:

- تبیین شرایط و چگونگی متوقف نمودن وسیله نقلیه (خودرو، شناور، قایق و...) مشروط به اینکه بنا بر قراین و دلایل معتبر یا اطلاعات موثق، مسروقه بوده یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد [مستند به بند الف ماده ۶ قانون]؛
- تبیین شرایط و چگونگی متوقف ساختن وسایل نقلیه (خودرو، شناور، قایق و...) منوط به اینکه از آن برای تهاجم عمدی به مأمورین و یا مردم استفاده شده باشد [مستند به بند ب ماده ۶ قانون]؛
- عدم لزوم رعایت ضوابط و مقررات تیراندازی در موارد استثنایی؛ در صورتی که رعایت ترتیبات مقرر موجب متواری شدن خاطی شود. مانند مناطق ممنوعه مرزی [مستند به ماده ۳ آیین نامه تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون].

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که قانون بکارگیری سلاح و سایر قوانین مرتبط با آن، برای حفظ اقتدار ضابطان قضایی وضع گردیده و موارد سکوت، ابهامات، خلاءها و محدودیت‌هایی که در آن دیده می‌شود برای حفظ حقوق شهروندی است. بنابراین بر ضابطین قضایی فرض است که در اجرای وظایف قانونی خود به حقوق و آزادی‌های افراد جامعه، احترام بگذارند. هر چند متهم حقوق عمومی جامعه را پایمال کرده است، ولی مجازات وی، مرگ نیست. این انتظاری است که آحاد مردم از مجریان دستگاه قضایی دارند.

در نظام پلیسی ایران همانند کشورهای آمریکا، ایرلند شمالی و دانمارک همه ضابطان قضایی به سلاح گرم مسلح می‌شوند. در صورتی که به نظر می‌رسد این کار ضروری نیست و فقط در ماموریت‌های خطیر باید ماموران به سلاح گرم تجهیز شوند. مقنن در قانون بکارگیری سلاح، تشخیص مواقع ضروری به کارگیری سلاح را به عهده خود ضابطان قضایی گذاشته است. این در حالی است که ماموران پلیس، بیشتر تحت آموزش‌هایی در زمینه نحوه استفاده از سلاح قرار می‌گیرند و نه نحوه سنجش و برآورد شرایط استفاده از سلاح. یعنی مامور در مورد نحوه تیراندازی دقیق و بدون خطا آموزش می‌بیند، اما اینکه چگونه شرایط را بسنجد و موقعیت‌ها را ارزیابی کند و بداند در کدام موقعیت از سلاح استفاده کند، کمتر آموزش داده می‌شود. به نظر می‌رسد این خلاء و چالش قانونی بایستی بازننگری و اصلاح شود.

بر اساس اسناد بین‌المللی، تیراندازی یک استثناء است و در مواردی که جان مامور یا شهروندان در خطر باشد از سلاح گرم استفاده می‌شود. همچنین هدف اولیه استفاده از سلاح، برقراری امنیت در جامعه است. هر چند مقنن در ماده ۲۸، ۴۴ و ۱۲۰ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ و در ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ اجازه تیراندازی به سوی وسیله نقلیه (خودرو، شناور، قایق و...) به منظور متوقف ساختن آن، در صورتی که وسیله نقلیه بنا بر قراین و یا اطلاعات موثق حامل کالای قاچاق، مواد مخدر، افراد متواری

و... باشد، را داده است، لکن به طور مشخص و شفاف نحوه تیراندازی در شرایط جوی مناطق دریایی را تعیین نکرده است.

مقنن در راستای برقراری نظم و امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع برخی از جرایم، با وضع قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ درصد ضابطه مند نمودن موارد به کارگیری سلاح توسط ضابطان قضایی برآمده که با بررسی مواد این قانون مشخص می‌شود، شرایط و مقررات آن در اکثر موارد برای ماموریت‌های تخصصی مامورین کلانتری (شهرداری سابق) تدوین گردیده و نسبت به نحوه استفاده از سلاح در شرایط و مناطق مختلف مرزی مانند شرایط جوی دریایی و مناطق ممنوعه مرزی ساکت می‌باشد.

مقنن در قانون بکارگیری سلاح، به آموزش ضابطان توجه ویژه ای داشته است. چنانکه در بندهای ۲ و ۴ ماده ۲ و ماده ۹ این قانون، همچنین در ماده ۴ آیین نامه اجرایی تبصره بنده ۵ ماده ۳ قانون به این مهم اشاره شده است.

سیاست جنایی حاکم بر قانون بکارگیری سلاح، بیشتر از اینکه وظیفه گرا باشد، نتیجه گرا است؛ چرا که هرگاه فرد در انتخاب عمل خود با چندین شق متفاوت مواجه باشد، باید بکوشد تعیین کند که کدام یک از این اعمال، انجام دانش، باعث ارتقای خیر و خوبی می‌شود و سپس بر اساس آن عمل نماید.

در قانون بکارگیری سلاح علیرغم وجود تعیین شرایط و ضوابط استفاده از سلاح، ضمانت اجرای عدم رعایت مفاد مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون بکارگیری سلاح مشخص نشده است. به طور مثال، اگر مأمور حامل سلاح، سلامت جسمانی و روانی لازم را نداشته باشد و یا سلاح غیرقانونی باشد، ضمانت اجرایی در این زمینه وجود ندارد.

قانون بکارگیری سلاح در سال ۱۳۷۳ با تعجیل و شتابزدگی و بدون تأمل و تدبیر و استفاده از نظرات کارشناسان ذیربط و بدون شناسایی نیازها و رعایت مصالح اجتماعی به تصویب رسیده و در حال حاضر با توجه ظهور و پیدایش اشکال نوین بزهکاری با ایرادات، نواقص و ابهاماتی مواجه شده که با سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی در تعارض

است. مقنن از سال ۱۳۷۳ تا به حال نتایج مثبت یا منفی این قانون از جمله تیراندازی در مناطق ممنوعه مرزی و مناطق دریایی را بررسی نکرده و آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۴ و آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۱ این قانون نیز بعد از گذشت ۲۳ سال توسط هیأت وزیران به تصویب نرسیده است.

پیشنهادها: به نظر می‌رسد موارد مجاز تیراندازی بر اساس قانون فعلی، انسجام درونی ندارد؛ به گونه ای که در موارد ضروری، مانند مناطق دریایی و مناطق عملیاتی مرزی که امکان رعایت ضوابط تیراندازی وجود ندارد، تعیین تکلیف نکرده است که مامور در این شرایط چه اقدامی انجام دهد. بهتر است که مقررات جاری مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد و به طور شفاف مواد قانونی در این حوزه تدوین شود.

با توجه به تغییر ماهیت وظایف و تکالیف مامورین مرزبانی، به دلیل وجود و شرایط مناطق مرزی، که از وظیفه پایش و کنترل و مراقبت مرزی به مقابله با اشرار و گروهک‌های معاند و همچنین مبارزه با کاروان‌ها و باندهای مسلح قاچاق مواد مخدر تبدیل شده است، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با تغییر شرایط زمانی و پیدایش اشکال نوین بزهکاری و وظیفه خاص و تخصصی پلیس مرزبانی، قانون بکارگیری سلاح، اصلاح و بازنگری شود و تدوین مواد قانونی لازم چالش‌ها و موارد سکوت آن برای استفاده دقیق مامورین مرزبانی بر طرف شود؛
- در ساختار سازمانی مرزبانی، سلاح‌های نیمه سنگین (مانند خمپاره اندازه‌ها، آرپی. جی و ...) لحاظ شده و مامورین مرزبانی در شرایط درگیری و انجام عملیات با اشرار، گروهک‌ها و قاچاقچیان مسلح براساس شرایط منطقه جغرافیایی می‌توانند از این نوع سلاح‌ها استفاده نمایند. با توجه به عدم رعایت کمر به پائین هنگام استفاده از این نوع سلاح‌ها پیشنهاد می‌شود قانون بکارگیری سلاح متناسب با این نوع سلاح‌ها اصلاح شود.

- به نظر می‌رسد در قانون بکارگیری سلاح چارچوب مسئولیت و اینکه در چه شرایطی مامور را مسئول بدانیم، مبهم است. این مفاهیم کلی زینده قانونگذار ایرانی نیست و نیازمند تعیین دقیق مصادیق و شرایط آن است؛
- پیشنهاد می‌شود تا تصویب قانون جدید، آموزش و تبیین قانون بکارگیری سلاح همراه با مصادیق عملی برای مأمورین مرزبانی برگزار شود تا موجبات عملی تر شدن اهداف قانونگذار در این قوانین فراهم شود. تنها در این صورت است که می‌توان از بروز برخی مشکلات که گریبان گیر مأمورین مرزبانی می‌شود، جلوگیری به عمل آورد؛
- به نظر می‌رسد قانون فعلی برای ماموران مرزبانی محدودیت‌های بسیاری در استفاده از سلاح ایجاد کرده است. پیشنهاد می‌شود مقنن شرایط جغرافیایی کشور را به سه منطقه (مناطق عملیاتی درگیر، نیمه درگیر و آرام) تقسیم بندی کند و برای هر منطقه، قانون بکارگیری سلاح ویژه و جداگانه تصویب نماید، تا ماموران مرزبانی بتوانند با توجه به شرایط ویژه هر منطقه، قانون خاص آن را رعایت نمایند؛
- با توجه به اسناد بین‌المللی به نظر می‌رسد برای کاهش تیراندازی‌های غیرمجاز در ایران ضروری است که مقنن از رویکرد افتراقی استفاده کند و برخی از ماموریت‌های پلیس بدون حمل سلاح گرم انجام شود. فقط در برخی از استان‌ها که حوادث تروریستی و حمله مسلحانه به ماموران سابقه دارد، ماموران مرزبانی به سلاح تجهیز شوند. همچنین ضروری است، فقط برای «حفظ جان مامور» یا «شهروند دیگر» از سلاح گرم استفاده شود؛
- بحث ضرورت در نظام پلیسی ایران فقط در تیراندازی پیش بینی شده است. برای تجهیز ماموران به سلاح گرم نیز بهتر است که به ملاک ضرورت توجه شود و تنها در موارد ضروری ماموران به این ابزار تجهیز شوند؛

- پیشنهاد می‌شود در قانون جدید استفاده از سلاح‌های غیر کشنده، بیهوش کننده و ساچمه زنی برای جلوگیری از تلفات انسانی تصویب و شرایط و مقررات بکارگیری آن توسط مأمورین مرزبانی دقیقاً مشخص شود؛
- برابر قانون بکارگیری سلاح فعلی در مواجهه با وسایل نقلیه بایستی لاسیتک و موتور و سلیه نقلیه مورد هدف قرار گیرد. با توجه به اینکه شناور، قایق و ... به عنوان وسیله نقلیه محسوب می‌شود، پیشنهاد می‌شود هنگام تعقیب این وسایل تا حد امکان پروانه و موتور آنان مورد هدف قرار گیرد و براساس مقررات بین‌المللی و سیاست حقوقی کشورهای موفق در این زمینه (از جمله انگلستان)، فقط در مواقعی که «جان مأمور و شهروندان» در خطر می‌باشد از سلاح استفاده شود؛
- با تشکیل کمیته تخصصی با حضور کارشناسان خبره و متخصص پلیس و قضات و سایر کارشناسان، تمامی موارد سکوت، ابهامات و ایرادات قانون بکارگیری سلاح فعلی در حوزه مأموریت مرزبانی بررسی و یافته‌های حاصله با وصف الزام آوری به واضعان سیاست جنایی ارائه شود؛
- در قانون به کارگیری سلاح به صراحت مشخص شود که این قانون مشمول چه نوع سلاحی می‌شود؛
- با توجه به شرایط ویژه مناطق دریایی، نحوه تیراندازی به سوی شناور دریایی و ضوابط و مقررات آن دقیقاً مشخص شود؛
- در مورد تیراندازی برای جلوگیری از ورود و خروج غیر مجاز از مرز، دقیقاً مشخص شود که مأمورین مرزبانی چه زمانی حق استفاده از سلاح را دارند؛
- متن قانون با زبان و ادبیات خاص، صریح و روشن تدوین شود، تا برداشت‌های متفاوت مأمورین، حقوقدانان و قضات از قانون مرتفع شده و اجرای قانون منتهی به عدالت کیفری شود.

و در آخر آنکه اگر متهم مرتکب جرمی شده باشد، مستحق کشتن نیست. بنابراین در چنین مواردی تدبیری اندیشه شود تا این چالش و خلاء بزرگ قانونی برای ضابطان شفاف سازی و روشن شود.

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر. (رساله دکتری). دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران
- ۲- احمدی، احمد (۱۳۸۷). نقض حریم خصوصی؛ چالش فرا روی پیشگیری وضعی از وقوع جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. سال سوم شماره ۶. صص ۷۷-۱۱۰
- ۳- افراسیابی، علی (۱۳۹۴). اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلستان). فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری. سال سوم. شماره ۹. صص ۲۲۴-۱۹۹.
- ۴- بیات، بهرام (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ۵- پانچ، موریس (۱۳۹۱). تیراندازی در نظام پلیسی بریتانیا. (خسرو طوسی، مترجم). تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا.
- ۶- سازمان قضایی (۱۳۸۷). مجموعه نشست‌های قضایی معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضایی. جلد دوم. تهران: انتشارات فکر سازان.
- ۷- نجفی توانا، علی و حسینی، سیدرضا (۱۳۹۳). رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قانون به کارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳. فصلنامه کارآگاه. سال هشتم. شماره ۲۹. صص ۱۴۷-۱۳۳